

# نظارت و ریاست مراجع قضائی بر ضابطین دادگستری (تطبیقی با حقوق فرانسه)

□ : دکتر سام سوادکوهی (قاضی دادگستری و عضو هیات علمی دانشگاه)

و تحقیق مقدماتی آماده بود. در واقع، مقررات مزبور، عمدتاً ناظر به ارتباط قضائی بین دادستان و ضابطین، بوده است. به عبارت دیگر، با صراحت قسمت آخر ماده (۱۹) قانون آیین دادرسی کیفری سابق (کلیه ضابطین دادگستری مکلفند دستور مقام قضائی را انجام داده و اجرا نمایند...) و تصریحی که سایر قوانین (۲) داشته و دارند (مانند ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی)، ضابطین مکلفند اوامر مقامات قضائی را (به عنوان آمر قانونی) به اجرا گذارند. (۳) در باره ماهیت مجازات موضوع ماده (۱۹)، عده ای آن را تنبیه انضباطی، و برخی آن را از مصادیق مجازاتهای عمومی می دانند. نظریه مشورتی شماره ۷/۵۷۰۰ مورخ ۱۳۵۵/۱۷/۲ در تایید دیدگاه اول می گوید: "تعقیب ضابطین دادگستری به موجب ذیل ماده ۱۹ آیین دادرسی به لحاظ عدم اجرای دستور مقامات قضائی ماهیتاً یک تعقیب جزائی نیست بلکه در ردیف تعقیبات انضباطی محسوب است و کیفر انفصال موقت که در زمره کیفرهای اداری نیز (در محاکمات اداری) مورد حکم واقع می شود، نمی تواند کیفر مخصوصی در جزای عمومی تلقی و براساس آن عمل مرتکب از

بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی به موجب قانون اقدام می نمایند) و افزایش تعداد مأمورینی که بر آنان عنوان ضابط دادگستری بودن صدق می کند (۱)، به منظور نتیجه گیری از بحثی که مطرح می شود، ابتدا مقررات داخلی (آیین دادرسی کیفری سابق، قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸) را بررسی نموده و سپس مروری به قوانین فرانسه خواهیم داشت.

## آیین دادرسی کیفری سابق:

مطابق ماده (۱۹) قانون آیین دادرسی کیفری (۱۱ شهریور ۱۲۹۰)، مدعی العموم یا دادستان، به عنوان رئیس ضابطین محسوب می شود. قسمت سوم ماده (۱۹) در این خصوص چنین می گفت: "مدعی عمومی رئیس ضابطین عدلیه محسوب است ولی مأموریت مخصوص و عمده او تعقیب امور جزائی است."

حدود وظایف دادستان و تکالیف ضابطین قضائی (کمیسرهای پلیس و قائم مقام آنان از حیثی که ضابطین عدلیه محسوبند) در باب اول راجع به تفتیش جرم

در قوانین و مقررات کشورمان، چنین به نظر می رسد که به غیر از برخورد با جرایم ضابطین و اعمال حبس و انفصال، ابزار دیگری در دست مراجع قضایی نبوده و دامنه نظارت، مراقبت و کنترل مراجع قضایی (به عنوان رئیس حوزه قضایی، مدعی العموم، رئیس دادگاه و مرجع تحقیق) بر ضابطین به شکلی که در برخی از کشورها مانند فرانسه دیده می شود، گسترده نباشد. به عبارت دیگر، برای مقام قضایی با توجه سکوت قوانین و مقررات، اعمال مجازات انضباطی اداری در حق مأمور خاطی، مجوز قانونی ندارد. در فرانسه، بنابر تشخیص قاضی شعبه تشخیص اتهام، بدون اینکه مأمور، منفصل از خدمت گردد یا به حبس محکوم شود؛ تنها به لحاظ عدم توانایی و یا فقدان صلاحیت لازم برای انجام امور مربوط به ضابطین، ممکن است محکوم، و از فعالیت در سمت پلیس قضایی موقتاً یا به طور دائم محروم شود.

با توجه به تعریفی که ماده (۱۵) آیین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ از ضابطین نموده (... مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضائی در کشف جرم و

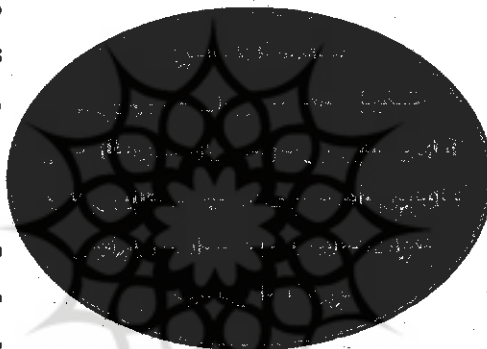
درجه جنحه دانسته شود. بنابراین، اقامه چنین دعوی انضباطی بدون لزوم رعایت مقررات دیگر کیفری فقط با اعلام دادستان به دادگاه شهرستان میسر بوده و دادگاه نیز در حین دادرسی ملزم به رعایت آداب مذکور نخواهد بود. رأی شماره ۴۸۹۴ مورخ ۱۳۴۳/۱۰/۲ در تأیید دیدگاه دوم آورده است که: "به طور کلی، رسیدگی به تخلفات مأمورین هر اداره با دادگاههای اداری خود آن اداره است، مگر اینکه قانون، ترتیب دیگری مقرر داشته باشد و قانونگذار فقط در مورد رسیدگی به تخلفات ضابطین دادگستری از قاعده کلی عدول و رسیدگی به تخلفات ضابطین دادگستری را وقتی که تخلف مربوط به عدم انجام و اجرای دستور مقامات قضائی باشد، مطابق ماده ۱۹ آیین دادرسی کیفری به عهده رئیس دادگاه شهرستان واگذار کرده است و اموری که مربوط به وظایف و تکالیف ضابطین دادگستری نباشد، مشمول حکم ماده مذکور نخواهد بود."

نکته دیگری که در آیین دادرسی کیفری سابق، از حیث نظارت یاریاست، قابل توجه است؛ نقش دادستان در خصوص تعقیب و رسیدگی به شکایات علیه ضابطین می باشد (مطابق قسمت اخیر ماده ۱۹ فوق الاشعار، ضابطین متخلف از طرف دادستان در دادگاه شهرستان تعقیب و به... محکوم خواهند شد). ماده (۱۷۶) قانون آیین دادرسی کیفری سابق، به نقش مهم دادستان در مورد اخیر اشاره کرده، می گوید: "شکایت از اداره نظمی و ژاندارم به مدعی العموم محکمه ابتدایی داده می شود." از این حکم استفاده می شود که قانونگذار خواسته بنوعی با تقدیم شکایات راجع به ضابطین به مدعی العموم، تکلیف مراقبتی نظارتی او را به عنوان رئیس تقویت

نماید.

## قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب:

با تصویب ماده (۱۳) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳، و حذف مقام دادستان (مدعی عمومی) ریاست و نظارت بر ضابطین به عهده رئیس حوزه قضائی محول و مقرر شد: "نیروی انتظامی هر حوزه قضائی اعم از بخش یا شهرستان در مقام ضابط دادگستری تحت ریاست و نظارت رئیس همان حوزه انجام وظیفه نموده و مکلف به اجرای دستورات مقام قضائی می باشند."



چنانچه مشاهده می شود، در ماده (۱۳) نیز مسأله ریاست و نظارت مطرح شده است اما مانند مقررات سابق به اختیارات ریاستی و چگونگی اعمال نظارت آن اشاره ای ندارد؛ مگر اینکه گفته شود همان اختیارات سابق منظور نظر قانونگذار ۱۳۷۳ بوده است و تنها با حذف مقام دادستان اختیارات وی به رئیس حوزه قضائی واگذار گردیده است.

### آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸:

قانون آیین دادرسی کیفری جدید (مصوب ۱۳۷۸/۷/۲۲) نکات تازه ای را مطرح می کند که بدانها اشاره خواهیم نمود؛ اما غیر از مطالبی که پیش از این ذکر شد، ما را به جواب دیگری نمی رساند. ماده (۱۶) قانون مزبور، در مقام بیان و تشدید مجازات عدم

اجرای دستور مقام قضائی می گوید: "ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقام قضائی را اجرا کنند. در صورت تخلف، به سه ماه تا یک سال از خدمت دولت و یا از یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد." (۴)

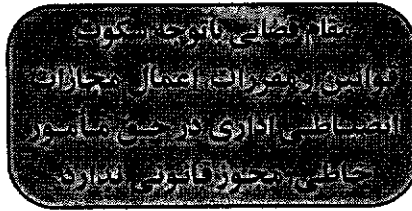
و ماده (۱۷) آن، مشابه ماده (۱۳) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مقرر می دارد: "ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند، باریست حوزه قضائی است." در خصوص نظارت نیز ماده (۴۱) آیین دادرسی کیفری جدیدالتصویب مشعر است بر اینکه: "ادراسان و قضات تحقیق بر تحقیقات و اقدامات ضابطین دادگستری نظارت دارند و چنانچه تکمیل تحقیقات انجام شده را ضروری بدانند، تصمیم مقتضی اتخاذ می نمایند." مواد (۱۷۶) و (۲۸۴) (۵) همین قانون، علاوه بر موارد مذکور به مسأله تعقیب انتظامی و اداری ضابطین نیز دلالت دارند. که به نظر می رسد در دو مورد اخیر، اعمال آن به عهده مسؤولین مربوط و نه مقامات قضائی باشد.

### آیین دادرسی کیفری فرانسه:

قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، به بیشتر سؤالات پاسخ داده است. اولاً؛ ماده (۱۲) آیین دادرسی کیفری فرانسه (۶) مقرر داشته؛ پلیس قضائی که از افسران، کارکنان و درجه داران تشکیل می شود، تحت ریاست دادستان می باشد. ثانیاً؛ ضمن ماده (۱۳) (۷) همان قانون آمده که پلیس قضائی (۸) تحت نظارت دادستان کل و همچنین تحت کنترل دادگاه تشخیص اتهام (۹) قرار دارد. قانونگذار فرانسه، پس از بیان اصول کلی، زمانی که از اختیارات دادگاه تشخیص اتهام در قسمت دیگر صحبت می کند، نکاتی را ذکر می کند که مسأله

نظارت و اعمال ریاست مقام قضائی را در برمی گیرد و ضمانت اجرای غیرجزائی کنترل و نظارت را، مشابه تعقیب اداری و انتظامی، نشان می دهد. ماده (۲۲۴) آ. د. ک. فرانسه تصریح (۱۰) دارد که:

(امری که در واقع قضائی تلقی نمی شود) و



شعبه تشخیص اتهام بر اقدامات یا فعالیت‌های مأمورین غیرانتظامی و نظامی، افسران و درجه داران پلیس قضائی، که برای این منظور اشتغال دارند، اعمال کنترل می نماید. و در ماده (۱۱)(۲۲۵) آمده است که: "شعبه تشخیص اتهام با درخواست دادستان یا به درخواست رئیس شعبه تشخیص اتهام اقدام و ممکن است ضمن بررسی پرونده‌ای که تحت نظر دارد، مبادرت به کنترل نماید."

اینکه چرا این وظیفه برای دادستان به عنوان رئیس ضابطین منظور نشده، می توان گفت: اولاً؛ کنترل با ضمانت اجرا منشأ فایده است و وظیفه خطیر ضابطین و حقوق مردم پیش بینی چنین اختیاری را برای مقام قضائی که ناظر آگاهی بر امور آنان است،



شعبه تشخیص اتهام، در راستای پیگیری نظارتی خود، اظهارات دادستان و افسر یا درجه دار مورد نظر را استماع می نماید ماده (۲۲۶). (۱۲) اما مهمتر از اعمال کنترل، مشخص بودن ضمانت اجرای آنست. ماده (۱۳)(۲۲۷)، در بیان ضمانت اجرای اعمال کنترل توسط شعبه دادگاه تشخیص اتهام چنین مقرر داشته است:

"شعبه دادگاه تشخیص اتهام می تواند، بدون خلل به مجازات‌های انضباطی که ممکن است از سوی رؤسای مافوق در مورد افسران و درجه داران خاطی اعمال گردد، رعایت نکاتی را تذکر یا با صدور رأی مقرر نماید، به طور موقت یا دائم، در محدوده دادگاه استان یا در سراسر کشور، از انجام امور مربوط به وظایف یا مأموریت‌های پلیس قضائی و یا نمایندگانی از طرف قاضی تحقیق ممنوع گردد."

در خصوص اینکه چرا در فرانسه وظیفه توبیخ و تذکر علاوه بر امکان اعمال آن توسط سلسله مراتب فرماندهی به عهده شعبه تشخیص اتهام نیز گذاشته است

پرونده رانزد دادستان می دهد تا مطابق مقررات اقدام شود (ماده ۲۲۸). (۱۵) نتیجه:

در شرایط کنونی که تشکیلات قضائی کشورمان از نظام ساده‌ای برخوردار است و مرجعی به نام دادسرا در معیت دادگاه‌های عمومی و انقلاب نداریم، لذا برای جبران خلاء موجود با دو مسئله روبرو هستیم که یکی مربوط به قانون و دیگری مربوط به ساختار نظام قضائی کشور است. در رابطه با قانون، تنها از طریق تدوین آن توسط مرجع قانونگذاری، که تعیین کننده حدود اختیارات قاضی است می توان مشکل را رفع نمود زیرا اعمال اختیاراتی مشابه حکم ماده (۲۲۷) قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه با عرف عملی یا رویه قضائی مقدور نبوده و نیاز به قانون خاص دارد. در رابطه با تشکیلات، تعیین مرجعی خاص برای تعقیب تخلف مأمورانی که ضابط دادگستری شناخته می شود، به نظر ضروری می رسد. قانون آیین دادرسی کیفری جدید، اگر چه به مسأله نظارت و ریاست تصریح کرده است اما تصریحی در اینکه همان مقام قضائی نظارت کننده مکلف به اعمال مجازات قانونی است یا خیر، ندارد. (۱۶) به عنوان پیشنهاد، با کمی مسامحه، مرجع تجدیدنظر را می توان در کنار رئیس حوزه قضائی (به جای دادستان که سمت ریاست بر ضابطین داشته است)، قضاوت دادگاهها و قضاوت تحقیق، مرجع مناسبی علاوه بر اعمال نظارت و کنترل برای صدور حکم انضباطی اداری دانست.

#### پی نوشتها:

- ۱- مطابق ماده (۱۵) آیین دادرسی کیفری جدید، ضابطین دادگستری عبارتند از:  
ادنیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران؛ ۲. رؤساو معاونین زندان نسبت به امور مربوط به

توجیه می نماید؛ و ثانیاً اعمال این مجازات از طرف مرجع، صرف قضائی ونه دادستان که مقام ریاست را داراست، دغدغه یکسری اعمال نظرها و جانبداریهای ناشی از ارتباط کاری (بین دادستان از یک طرف و ضابطین از طرف دیگر) را متفتی می سازد.

لازم به ذکر است که تصمیمات شعبه تشخیص اتهام، ضمن ابلاغ به مسؤلین پلیس قضائی به دادستان نیز منعکس خواهد شد (ماده ۱۴)(۲۲۹). یادآوری نکته دیگری هم ضروری است و آن اینکه، موارد فوق راجع به اموری است که شعبه تشخیص اتهام با مسأله مجرمانه مواجه نباشد. مرجع مذکور، اگر با اقدام مجرمانه‌ای مواجه گردد؛ به منظور تعقیب علاوه بر اقدامات فوق الذکر دستور ارسال

suri activite des fonctionnaires civils et des militaires, officiers et agents de police judiciaire, pris en cette qualite.

۱۱- Elle est saisie soit par le procureur general, soit par son president. Elle peut se saisir d'office a l'occasion de l'examen de la procureur qui lui est soumise.

۱۲- La chambre d'accusation, une fois saisie, fait proceder a une enquete, elle entend le procureur general et l'officier ou agent de police judiciaire en cause. Ce dernier doit avoir ete préalablement mis a meme de prendre connaissance de son dossier d'officier de police judiciaire tenu au parquet general de la cour d'appel. Il peut se faire assister par un avocat.

۱۳- La chambre d'accusation peut sans prejudice de sanctions disciplinaires qui pourraient etre infligees a l'officier ou agent de police judiciaire par ses superieurs hierarchiques, lui adresser des observations ou decider qu'il ne pourra,

temporairement ou definitivement, exercer, soit dans le ressort de la cour d'appel, soit sur tout l'ensemble du territoire, ses fonctions d'officier de police judiciaire et de delegue du juge d'instruction ou ses fonctions d'agent de police judiciaire.

۱۴- Les decisions prises par la chambre d'accusation contre les officiers ou agents de police judiciaire sont notifiées, a la diligence du procureur general, aux autorites dont ils dependent.

۱۵ - Si la chambre d'officier ou agent de police judiciaire a commis une infraction a la loi penale, elle ordonne en outre la transmission du dossier au procureur general a toute fin qu'il appartient.

۱۶- به عنوان مثال اخير ماده (۲۰) قانون فوق الاشعار، بدون تصريح به اينکه چه دادگاههاي محکوميت خواهد داد، می گوید: "متخلف از اين امر به مجازات مقرر در ماده (۱۶) اين قانون محکوم خواهد شد."

۵- مطابق ماده (۱۷۶) قضات، ضابطین دادگستری و ساير مامورانی که به موجب قانون موظف به تعقيب، رسيدگی و اجرای حکم می باشند، چنانچه در انجام وظيفه خود مرتکب فعل یا ترک فعلی شوند که نتیجه آن عدم تعقيب یا اجرای حکم صادره باشد، حسب مورد تحت تعقيب کيفری، انتظامی و اداری قرار خواهند گرفت. و ماده (۲۸۴) نیز می گوید: "کليه ضابطین دادگستری و نیروهای انتظامی و نظامی و رؤسای سازمانهای وابسته به دولت و يا مؤسسات عمومی در حدود وظايف خود مکلفند، دستورات مراجع قضائی را در مقام اجرای احکام رعایت کنند. تخلف از مقررات اين ماده ۷ علاوه بر تعقيب اداری و انتظامی، مستوجب تعقيب کيفری برابر قانون مربوط می باشد."

۶- La police judiciaire est exercee sous la direction du procureur de Republique. Par les officiers, fonctionnaires et agents designes au present titre.

۷- Elle est placee, dans chaque ressort de cour d'appel, sous la surveillance du procureur general et sous le controle de la chambre d'accusation conformeent aux articles ۲۲۴ et suivants.

۸- مطابق ماده (۲۳۰) قانون آيين دادرسی کيفری فرانسه، نقش نظارتي و اعمال کنترل توسط دادگاه تشخيص اتهام در مورد ساير ضابطین دادگستری مانند مامورين آب و جنگلبنای، قابل اجراست.

۹- برای این دادگاه یا به تعبیری شعبه تشخيص اتهام، سه وظيفه مهم در حقوق فرانسه می توان برشمرد. اول و مهمتر از همه اينکه، مرجع قضائی

تحقيق مرحله دوم است و به بررسی مجدد تحقیقات می پردازد، دوم وظيفه ای که به عنوان مرجعی قضائی، اعمال مقررات انضباطی در مورد ضابطین خاطی می نماید و سوم وظيفه حل اختلافات در صلاحیت بين دو قاضی تحقيق و ساير مواردی که قانون پیش بينی نموده است. مراجعه شود به کتاب:

Jean pradel, procedure penale, cujas ۱۹۸۵, pp. ۲۴ et ۴۵.

۱۰- La chambre d'accusation exerce un controle

زندانیان: ۳. مامورين نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظايف محوله ضابط دادگستری محسوب می شوند؛ ۴. ساير نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی، تمام یا برخی از وظايف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند؛ ۵. مقامات و مامورینی که به موجب قوانین خاص در حدود وظايف محوله ضابط دادگستری محسوب می شوند.

۲- از جمله ماده (۲۲) آيين نامه، نحوه اجرای احکام اعدام، جرم، صلب، قطع یا نقص عضو مصوب ۱۳۶۸ که می گوید: "در صورتی که بنا به جهاتی، حضور تماشاچی یا طبقات و افراد خاصی در محل اجرای حکم به مصلحت نباشد، به دستور دادستان مامورين انتظامی از ورود آنان به محل جلوگیری می نمایند." و ماده (۲۵) قانون آيين دادرسی کيفری که می گوید: "نسبت به تفتيش جرم کيميسرهای نظمی و قائم مقام آنان در تحت اطاعت مدعیان عمومی هستند." و همچنین ماده (۴۷۸) قانون آيين دادرسی کيفری که مقرر نموده: "مدعی العموم در باب اجرای حکم، تعليمات لازمه را به مامورين دولتی داده، نظارت در صحت اجرا و عدم تعویق و تعطیل آن می نماید."

۳- برای مجازات عدم اجرای دستور مقامات قضائی توسط ضابطین دادگستری، ذیل ماده (۱۹) قانون آيين دادرسی کيفری چنین آمده است: "کليه ضابطین دادگستری مکلفند دستور مقامات قضائی را انجام داده و اجرا نمایند. متخلفين از طرف دادستان در دادگاه شهرستان تعقيب و به انفصال موقت از یک ماه تا شش ماه از خدمت دولت محکوم خواهند شد و حکم دادگاه شهرستان قطعی است."

۴- در ماده (۴۲) قانون آيين دادرسی کيفری جديد آمده است: "...مقامات رسمی و ضابطین دادگستری موظفند دستورات دادستان و قضاوت تحقيق را فوری به موقع اجرا گذارند، متخلف از اين ماده به مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد."